

## شہید حسن قنبرپور



از بشارت علی  
سامانہ جامع سہارن و دھڑا شہید استان بوشهر

نام پدر	بهرام
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۶/۱۲
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۹/۲۱
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	بوشهر

## زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامه : شهید حسن قنبرپور

شهید حسن قنبرپور در تاریخ / / ۱۳۴۴ در محله دواس واقع در شهرستان بوشهر دیده به جهان گشود. او دوران کودکی و طفولیت را در دامن مادری دلسوز و مهربان و با ایمان و پدری زحمت کش و پرورش یافت. مادری که از ابتدا با سرود و ترانه های عاشقانه عشق و محبت به اهل بیت عصمت و طهارت او را تربیت نمود تا آنجا که هر شب حتی با خواندن نغمه های لالایی شبانه ( لالا بخواب رودم، لالا بخواب عمرم، مولا لات میکنم تا زنده باشی، غلام حضرت فاطمه باشی) او را خواب می کرد. مادر بزرگ مادری شهید از همان ابتدای تولد با خواندن اذان در گوش سمت چپ شهید را با شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر گرامی اسلام و شهادت به ولایت امیر مومنان آشنا نمود.

شغل پدر شهید کشاورز بود و از راه کشاورزی امرار معاش می نمودند. شهید در خانواده مذهبی رشد نمودند. بطوریکه از همان دوران کودکی با حالات و روحیات معنوی که داشتند در مراسمات تاسوعا و عاشورای امام حسین و نماز جماعت در مسجد محله خود شرکت می نمود شهید دوران کودکی خود را با هم سن و سالهای خود در کوچه های پراز صفا و صمیمت محله خود (دواس) سپری نمودند. وی تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان فرودسی دواس و راهنمایی را در مدرسه راهنمایی اخوت (خواجه ها) و متوسطه را دبیرستان سعادت واقع در مرکز شهر بوشهر دنبال نمود.

با شروع انقلاب اسلامی با وجود اینکه شهید در دوران نوجوانی (۱۳ سالگی) بسر می برد با شور و شوق در تظاهرات شبانه محلی بر علیه رژیم ستم شاهی شرکت می نمودند. بالاخره با شروع جنگ تحمیلی زمانی که شهید در دبیرستان سعادت مشغول به تحصیل بود. تحصیل را نیمه تمام گذاشته و بصورت داوطلب بسیجی در سال ۱۳۶۱ به سوی جبهه های نبرد حق علیه باطل شتافتند. در همان ابتدا بعد از مدتی بر اثر موج انفجار شهید از ناحیه پا آسیب دید و به دیار خود بازگشت، ولی عشق به اهل بیت عصمت و طهارت و شهادت وی را واداشت که با ثبت نام مجدد راهی جبهه نبرد گردد. /

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد



## وصیت نامه

بسم رب الشهداء و الصديقين

وصیت نامه شهید حسن قنبر پور

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم ينتظر و ما بدلوا تبديلا.

شهید اولین قطره خونی از آن می ریزد تمام گناهانش پاک می گردد.

بنده عقیده کامل به پنج اصل : توحید ، نبوت ، عدل ، امامت ، معاد دارم و شهادت می دهم که خدا یکی است و محمد (ص) رسول اوست و با عقیده به رهبران تشیع علوی از حضرت علی(ع) تا مهدی صاحب الزمان(عج) و با درود بیکران به یکه تاز نبردهای اسلامی و رهبر مسلمانان جهان و امید مستضعفان.

ما همه غرق در گناه و معصیت هستیم تا دیر نشده است برگردیم . این دنیا فانی است ، دیر یا زود خواهیم رفت ، دل به دنیا نبندیم . این دنیا مانند عجزه ای است که تا کنون هزاران هزار شوهر گرفته ولی به هیچکدام وفاداری نکرده . این دنیا به حضرت محمد(ص) و علی(ع) وفاداری نکرد.

امیدوار به بخشش و کرم الهی هستم که حدیث بالا در مورد بنده نیز صدق می کند زیرا بجز خون چیزی دیگر ندارم که بدهم ، بجز این تن ناقابل چیزی دیگر ندارم که در راه خدا بدهم .

برادران و خواهران کارهایتان همه برای خدا باشد . خنده تان برای خدا باشد ، گریه تان برای خدا باشد ، عملتان برای خدا باشد ، برادران عرقی که شما در کار کردن برای خدا می ریزید اینها همه گناه است که از شما پاک می شود ، در بین خود وحدت داشته باشید تا منافقین نتوانند در بین شما خطور کنند.

برادران و خواهران در دعاها (مخصوصاً دعای کمیل و ندبه و توسل) شرکت کرده و از خدا طلب آمرزش کنید زیرا راهی سخت را در پیش خواهیم داشت . قیامت بخاطر یک گناه ما را هزار سال یکجا نگه می دارند.

از برادرانم یک خواهش دارم و آن این است که چهل نفر از برادران برای بنده بصورت دست جمعی از خداوند طلب شفاعت کنند شاید خدا ما را ببخشد ، اگر خدا نبخشد پس کی ببخشد ما جز خدا کسی را نداریم.

در تشییع جنازه ها شرکت کنید چون هر کس در تشییع جنازه شرکت کند در آخرت شفاعت خواهد شد . از همه برادران کوچک و بزرگ ، همگی خواهشمندم که اگر بدی از بنده دیده اید ببخشند و مرا در دارالشهدای کوی دواس بخاک بسپارند.

بنده خدا حسن قنبر پور



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران